

## تاریخچه آموزش و پرورش

آموزش و پرورش دارای مفهوم و کاربردی گسترده، پیچیده، و مبهم است تاکنون تعریف واحد یا جامع و مانعی از «آموزش و پرورش» به دست نیامده است و اهل نظر، هر یک بر پایه تفکرات و تجربیات خود، تعریفی از آن ارائه داده‌اند.

صاحب‌نظران ایرانی یا مسلمان تعلیم و تربیت در سده‌های پیشین (مانند [امام محمد غزالی](#))، هیچ‌کدام در پی تعریف مفهوم «آموزش و پرورش» نبوده‌اند و گویا اهمیت تعریف این مفهوم را درک نکرده بودند در عصر حاضر، متفکران ایرانی مانند [محمدباقر هوشیار](#)، [عسبی صدیق](#)، [اسدالله بیژن](#) و [امیرحسین آریانپور](#)، [مرتضی مطهری](#) در این‌باره اظهارنظر کرده‌اند؛ ولی دانشمندان غربی از دیرباز تاکنون تعاریفی از «آموزش و پرورش» ارائه داده‌اند.

## برخی از تعاریف آموزش و پرورش

- [محمدباقر هوشیار](#): آموزش و پرورش مجموعه منظمی از اعمال و رفتار است؛ به بیان دیگر آموزش و پرورش فعل و انفعالی است میان دو قطب روان (آموزگار و فراگیر) که مسبوق به اصلی و متوجه هدفی و مستلزم برنامه‌ای است.
- [جان دیویی](#): آموزش و پرورش تکرار تجربه است، به منظور آنکه معنای تجربه گسترش پیدا کند و برای هدایت و کنترل تجربیات بعدی، فرد را بهتر قادر سازد
- [ژان ژاک روسو](#): آموزش و پرورش هنر یا فنی است که به صورت راهنمایی یا حمایت نیروهای طبیعی و استعدادها (متربی)، و با رعایت قوانین رشد طبیعی و با همکاری خود او برای زیستن تحقق می‌پذیرد.
- [دانشنامه بریتانیکا](#): از آنجایی که کودکان بی‌سواد، نادان و غیرمطلع از [فرهنگ](#) جامعه‌شان به دنیا می‌آیند، برای کلاک‌گیری فرهنگشان، [هنجارهای](#) رفتاری افراد [یالغ](#)، یادگیری مهارت‌ها، یافتن نقششان در اجتماع و رسیدن به اهدافشان نیاز به آموزش دارند.<sup>11</sup>
- [امیرحسین آریانپور](#): آموزش و پرورش عبارت است از «فرایند هدایت و جهت‌دهی عمدی تجارب انسانی»<sup>12</sup>

## فلسفه آموزش و پرورش

نوشتار اصلی: [فلسفه آموزش و پرورش](#)

از آنجا که آموزش به کودکان این قابلیت را می‌دهد که به صورت مستقل به سوی اهداف مورد نظرشان حرکت کنند و هویت ویژه‌ای در جامعه بیابند، اهمیتی غیرقابل چشم‌پوشی برای فلاسفه دارد.<sup>13</sup> [فلسفه آموزش](#) به بررسی ماهیت و اهداف آموزش و ابزارهای آن می‌پردازد و در ارتباط با «نظریه آموزش» است. نظریه آموزش نوعی نظریه عملی بوده که سعی در فراهم آوردن رهنمود و روشن کردن تمامی جنبه‌های گوناگون آموزش (اعم از جنبه‌های تعلیمی، اخلاقی و سیاسی مربوطه) و همچنین ساختار اجتماعی وابسته با آن است.<sup>14</sup> [فلسفه آموزش](#) از نیمه دوم قرن بیستم میلادی به بعد به صورت یک شاخه مشخص از فلسفه شناخته شده و مورد بررسی قرار گرفت.<sup>15</sup>

## تاریخچه نظریات پیرامون آموزش و پرورش

نوشتار اصلی: [تاریخچه نظریات پیرامون آموزش و پرورش](#)

## نظریه‌های آموزش و پرورش

نوشتار اصلی: [نظریه‌های آموزش و پرورش](#)

نظریه‌های آموزش وجود چهار چیز را در فرایند آموزش ضروری فرض می‌کنند: ۱- آموزگار ۲- دانش آموز ۳- موضوع درسی ۴- گروه اجتماعی که آموزگار و دانش آموز به آن تعلق داشته و از طریق آن با هم مرتبط می‌شوند. نظریه‌های آموزشی مختلف را می‌توان از طریق پاسخی که به سؤالات زیر می‌دهند از همدیگر تمیز داد: هدف آموزشی یک مدرسه چیست و اینکه از نظر روانی چگونه دانش آموزانش را به انجام کارهایی که هدف را تحقق می‌بخشد راهنمایی می‌کند؟ موضوع درسی چیست، با چه روش‌هایی تعلیم می‌شود، مطالب با چه میزان راحت آموخته می‌شوند و به چه راحتی بعداً فراموش می‌شوند؟ امتحان‌ها، روش‌های درس خواندن، و معیارهای مقایسه دانش

آموزان با همدیگر چیست؟ مدارس مختلف بحران‌های مختلف دارند. برخوردهای درونی مدرسه مورد نظر چیست؟ ترس‌هایی که آموزگاران را تحت تأثیر قرار می‌دهد چیست و واکنش آموزگاران به این ترس‌ها چیست؟ دانش آموزان در مدارس مختلف با ترس‌های مختلفی روبرو می‌شوند. تحت چه ترس‌هایی دانش آموزان به تلاش برای یادگیری مشغول هستند و پاسخ آنها به این ترس‌ها چیست؟ با توجه به اینکه تقصیر شکست‌ها را می‌توان بر گردن نظریه خاص آموزشی استفاده شده نهاد، راه حل‌ها نیازمند ایجاد تغییراتی در نظریه آموزشی می‌باشد. انتخاب یک نظریه آموزشی خاص نیازمند آگاهی کافی نسبت به شرایط خاص یک مدرسه بوده و حکم کلی نمی‌توان داد.<sup>15</sup>

## تاریخ آموزش و پرورش

فرایند آموزش و پرورش از پیدایش انسان بر زمین آغاز شده و به عقیده برخی **معلمی** یا گونه‌ای از آن از نظر قدمت دومین پیشه انسان‌ها بوده است. هیچ جامعه انسانی‌ای وجود نداشته که اهمیت و مرکزیت آموزش را رد کند.<sup>1, 2</sup> در جوامع بدوی، آموزش رسمی به شکل امروزی آن وجود نداشت. در واقع در تمامی فعالیت‌های روزمره بالغین نقش معلمین را بازی می‌کردند و همه جا کلاس درس بود. انباشتگی دانش در طول زمان باعث شد که یک نفر بالغ نتواند بر تمامی آن مسلط شود. راه حلی که جامعه برای این مشکل پیدا کرد آموزش به نوع رسمی بود. مدارس تشکیل شد و متخصصینی در آنها به گونه‌ای مؤثر به انتقال فرهنگ و دانش موجود کمک می‌کردند.<sup>1, 11</sup> با رشد فزاینده جامعه و زیاد شدن پیچیدگی‌های آن، آموزش رسمی به عده مؤسسات خاصی واگذار شد. به علاوه ماهیت آموزش نیز کم‌کم تغییر کرد: آموزش کمتر و کمتر به زندگی روزمره افراد ارتباط پیدا می‌کرد، انتزاعی‌تر شده و با عملگرایی فاصله می‌گرفت. دانش بصورت خیلی فشرده درآمده و این امر به دانش آموزان این قابلیت را می‌داد که از فرنگی که در آن به دنیا آمده‌اند فراتر رفته و چیزهایی را یاد بگیرند که هرگز نمی‌توانستند توسط تجربه مستقیم یا تقلید از افراد بالغ بیاموزند. فرایند آموزش امروزه یکی از پایه‌های اساسی پیشرفت جامعه‌ها شده است و اهمیت روزافزونی پیدا کرده است و این خود باعث این شده که کتاب‌ها و تحقیقات زیادی در زمینه اهداف، محتوا، و نحوه بهینه تدریس انجام شود. در دوران مدرن، شاهد شکوفایی **فلسفه آموزش** و نظریات تعلیمی هستیم.<sup>1, 11</sup> و هر معلم با توجه به شرایط دانش آموزان کلاسش از شیوه‌های مختلف آموزشی استفاده می‌کند.

## آموزش در جوامع ابتدایی

در **ابتدایی**، آموزش محدود به انتقال فرهنگ بود و هدف آن پرورش فرزندان بگونه‌ای بود که بتوانند اعضا خوبی برای گروه یا قبیله شان باشند. یک انسان اولیه دنیا را به شکل ثابت و تغییرناپذیر می‌دید. برای او فرهنگ تمام دنیا پیش از او تشکیل می‌داد، و این فرهنگ از یک نسل به نسل بعدی تنها مقدار کمی تغییر می‌کرد.<sup>11</sup>

جوامع اولیه تأکید زیادی روی لزوم پیوستن مناسب افراد به بدنه قبیله به گروهشان داشتند. جوامع اولیه اشکال و تنوع فرهنگی زیادی داشته و بیان قوانین عام حاکم بر تملی آنها کار سختی می‌باشد؛ ولی به هر حال نکات مشترکی بین فرهنگ‌های اولیه وجود دارد: افراد کوچک و خردسال در فعالیت‌های بزرگسالان شرکت می‌کردند. یادگیری توسط مکانیزم‌های تقلید، تلاش برای فهمیدن احساسات و انگیزه‌های افراد بزرگ و تلاش برای شناسایی و تطبیق هویت خود با آنها صورت می‌گرفت.<sup>1, 11</sup>

هنگامی که فردی بالغ می‌شود، روش آموزش او دگرگون می‌شود. او دیگر نمی‌بایست بصورت لحظه‌ای و غیر منظم به تقلید از بالغین بپردازد بلکه باید رفتارش را منظم و استاندارد بکند در هنگام بلوغ برای جدا شدن از محیط و فضا دوران کودکی، افراد «آیین تشرف» را تجربه می‌کنند. فرد بالغ شده ممکن است به صورت ناگهانی از خانواده‌اش جدا شود و به اردوگاهی به همراه افراد تازه بالغ شده دیگر فرستاده شود. دلیل این جدایی این است که فرد وابستگی‌اش را به خانواده کم کند و از نظر عاطفی و اجتماعی خودش را در محیط وسیع فرهنگی قبیله‌ای بنا نهد. معلمان در این مراسم تشرف کسانی هستند که شخص نمی‌شناسد، در واقع اقوام شخص در قبیله دیگر که شخص تا حالا ندیده است. آیین تشرف عموماً عملی نیست بلکه در آن ارزش‌های فرهنگی، مذهب قبیله‌ای، افسانه‌ها، فلسفه، تاریخ، مراسم‌ها و آداب و رسوم و اطلاعات دیگر تدریس می‌شود. این مراسم (به ویژه بخش مذهبی آن) از اهمیت زیادی برخوردار و لازمه عضویت در قبیله بوده است.<sup>1, 11</sup>

## آموزش در قدیمی‌ترین تمدن‌ها

تمدن در خاورمیانه، در بین رودهای **دجله** و **فرات** و در **مصر**، حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد شروع شد. تمدن عمده بعدی هزار و پانصد سال بعد در شمال چین زاینده شد انتقال فرهنگ در این جوامع پیچیده، «نوشتن» را ضروری کرد.<sup>1, 11</sup> البته در هیچ زمانی در دوران باستان، بیش از ۲۰ تا ۳۰ درصد مردان بالغ و تقریباً ۱۰ درصد کل جمعیت نمی‌توانستند بخوانند و بنویسند.<sup>1, 11</sup> ۷۵۲۳

## آموزش در ایران باستان

در **فلات ایران**، دست کم از پانزده هزار سال پیش، انسان زندگی می‌کرده است. دربارهٔ چگونگی آموزش و پرورش مردمانی که پیش از **آریایی‌ها** در این سرزمین زندگی می‌کردند آگاهی چندانی در دست نیست. نزدیک به چهار هزار سال پیش، **آریایی‌ها** و از آن جمله **مادها**، **پارسی‌ها** و **پارتی‌ها** به سرزمین **ایران** مهاجرت کردند. **مادها** در غرب و **پارسی‌ها** در جنوب و **پارتی‌ها** در شرق **فلات ایران** ماندگار شدند و حکومت‌هایی تشکیل دادند. **مادها** در حدود هفتصد سال پیش از میلاد در سرزمین‌های غرب ایران چیره شدند و **دولت ماد** را بنیان گذاشتند. در دورهٔ **مادها**، کودکان و نوجوانان راه و رسم زندگی و کار و جنگاوری را در خانه و ایل می‌آموختند. آموزش رسمی مخصوص روحانیان بود. روحانیان، گذشته از خواندن و نوشتن، اصول و مراسم دینی، اخترشناسی و شیوه‌های پیشگویی سرنوشت دیگران را در مراکز دینی فرا می‌گرفتند. مردم دیگر از خواندن و نوشتن بی‌بهره بودند. **مادها** خطی شبیه **خط میخی** داشتند.<sup>۱۷</sup>

امپراتوری **ایران باستان** توسط **کوروش کبیر** در سال ۵۵۹ قبل از میلاد تأسیس، و توسط مسلمانان در سال ۶۵۱ میلادی منقرض شد. از ویژگی‌های عمده تمدن ایران باستان که به ایرانیان احساسات ماجراجویی و ملی‌گرایی می‌داد می‌توان تأکید بر توانایی‌های فیزیکی و بدنی، مذهب فعال **زرتشتی** و اخلاقیات آن، و جنگاوری و توسعه‌طلبی را نام برد. در زمان حکومت کوروش و جانشینانش، آموزش تحت تأثیر اخلاقیات زرتشتی و نیازهای نظامی جامعه بود. چهار طبقه اجتماعی نیاز هایشان را توسط آموزش بر طرف می‌کردند: روحانیون، جنگجویان، کشاورزان و بازرگانان. اخلاقیات زرتشتی آموزش را در جهت پرورش افکار خوب، گفتار خوب و کارهای خوب می‌لایید. تعلیم و تربیت در این دوران تأکید زیادی روی پیوندهای خانوادگی و احساسات گروهی، پذیرش حکومت پادشاه، تعلیمات مذهبی، و آماده‌سازی‌های نظامی داشت.<sup>۱۸</sup>

آموزش در دوران **هخامنشی** به صورت دولتی انجام نمی‌شد و آموزش‌های اولیه در خانه انجام می‌پذیرفت. فرزندان که به طبقات بالا متعلق بودند می‌توانستند در سن هفت سالگی به مدارس در دیوانها بروند. در مراحل بالای آموزشی به دانش آموزان قوانین و حقوق، پزشکی، ریاضی، جغرافیا، موسیقی، و نجوم یاد می‌دادند. مدارس نظامی خاصی هم موجود بود.<sup>۱۹</sup>

با تسخیر ایران توسط **اسکندر**، روشهای آموزشی یونانی جای روشهای آموزشی در دوران هخامنشی را گرفت. این رویه در دوران حکومت **پارتیها** نیز ادامه یافت؛ ولی با به روی کار آمدن **سلسله ساسانی** در ایران، نحوه آموزش سنتی ایرانی مجدد احیا شده، توسعه و تکمیل شد. اخلاقیات زرتشتی عملکرد مشابهی مانند دوران هخامنشی داشت، با این تفاوت که در دوران ساسانی تأکید بیشتری روی نیروی کار (مخصوصاً کشاورزی)، قداست ازدواج و خانواده، و احترام به قانون و نخبه‌گرایی داشت. آموزش در آن دوران پایگاههای قوی اخلاقی، اجتماعی و ملی داشت. موضوع درسی سیستم آموزشی شامل تمرینات بدنی و رزمی، خواندن **خط پهلوی**، نوشتن، ریاضی و هنر بود.<sup>۲۰</sup>

بزرگترین دستاورد آن دوران تأسیس **دانشگاه گندیشاپور** بود که نقش عمده‌ای در توسعه آموزش پیشرفته داشت. در گندیشاپور فرهنگها و علوم ایرانی، **هندی**، **یونانی** و رشته‌های علمی مختلف گرد هم آمده بودند دانشجویانی از سر تا سر دنیا برای تحصیل به گندیشاپور می‌آمدند. بعدها گندیشاپور نقش مهمی در دسترسی مسلمانان به علوم یونانی و **رومی** بازی کرد و از طریق مسلمانان بسیاری از آثار مجدد از عربی به **لاتین** ترجمه شد.<sup>۲۱</sup>

## آموزش در دنیای اسلام

آموزش در اسلام از ارزش زیادی برخوردار بوده است. با مسلمان شدن مردمان از نژادها و جوامع مختلف، آموزش نقش مهمی در تشکیل یک اجتماع به هم پیوسته و جهانی ایفا کرد تا اواسط قرن نهم میلادی، تقسیم‌بندی مشخصی از دانش انجام شده بود: علوم به سه دسته تقسیم شده بودند: علوم اسلامی، علوم فلسفی و طبیعی و علوم ادبی هنری. علوم اسلامی به بررسی منابع اسلامی مانند قرآن، احادیث و تفاسیر آن می‌پرداخت. علوم اسلامی از نظر فرهنگی از همه با ارزشتر به حساب می‌آمد؛ فلسفه و علوم طبیعی به اندازه علوم اسلامی مهم دیده می‌شد ولی کم‌فضیلت تر دیده می‌شد.<sup>۲۲</sup>

سیستم آموزش اسلامی در ابتدا تأکید زیادی روی فنون و امور عملی مانند توسعه سیستمهای آبیاری، ابداعات کشاورزی، خیاطی، تولید محصولات با آهن و فولاد، محصولات چرمی، تولید کاغذ و باروت، گسترش تجارت زمینی و دریایی، و ساختن اشیاء سفالی داشت. به تدریج و از قرن ۱۱ میلادی به بعد، علاقه به علوم مذهبی به صورت عمده‌ای جای علوم دیگر را گرفت. علوم یونانی و فلسفه دیگر تنها به صورت خصوصی و به عده کمی تدریس می‌شد و هنرهای ادبی به شکل عمده‌ای رو به کاهش نهادند. از آزادی فکری داده شده به اندیشمندان و نخبگان

کاسته شد. علوم غیر دکنی و بررسی‌های پژوهش گرابانه غیر دینی دیگر تحمل نمی‌شدند. این نحوه سیستم آموزشی از ازبکستان امروزی در شرق تا مصر در غرب در طول سالهای ۱۰۵۰ تا ۱۲۵۰ میلادی گسترش پیدا کرد.<sup>۱۱</sup>

## آموزش و پرورش نوین

در بیشتر کشورهای، گذراندن دوره مقدماتی برای کودکان پنج و شش ساله و گذراندن دوره متوسطه برای نوجوانان سیزده ساله اجباری است.

## آموزش مدرن در ایران

نوشتار اصلی: [آموزش و پرورش در ایران](#)

شروع آموزش به نحوه مدرن در ایران با تأسیس مدرسه [دارالفنون](#) در تهران و به همت [امیر کبیر](#) رقم خورد. در دار الفنون علوم فنی، علوم طبیعی و همچنین کمی علوم انسانی توسط اساتید خارجی، و تحت نظارت [رضا قلی خان](#)، تدریس می‌شد. تأسیس این مدرسه باعث ترجمه آثار مختلفی از زبانهای اروپایی به فارسی شد.<sup>۱۸</sup>

[رضا شاه](#) مسبب ایجاد تغییرات عمده‌ای در سیستم آموزشی ایران می‌باشد. به عنوان بخشی از برنامه غربی سازی، مدرن سازی و تمرکز اداره امور، او [مکتب‌خانه‌ها](#) را برپید. مکتب‌ها جاهایی بودند که در آنها به تمامی دانش آموزان در هر سنی که بودند در یک اتاق توسط یک آخوند آموزش داده می‌شد. رضا شاه دستور داد که تمامی افراد جامعه، دختر و پسر، بصورت اجباری به مدارس دولتی بروند، و اینکه محتوای کتابهای درسی به روز و مدرن شوند و محلی برای تربیت معلمین ایجاد کرد و همچنین دانشگاه تهران را بنا نهاد چند سال بعد رضا شاه دستور در اختیار گرفتن و دولتی کردن تمامی مدارس خارجی تبلیغی مسیحی ([میسوئری](#) (را داد).<sup>۱۸</sup> بیشتر مدرسه‌های عالی آن زمان، مانند [دارالمعلمین عالی](#)) دانشسرای عالی، ([مدرسه حقوق و علوم سیاسی](#)) [دانشکده حقوق](#) (و [مدرسه عالی طب](#)) [دانشکده پزشکی](#) (در شمار دانشکده‌های این دانشگاه درآمدند. با تأسیس [دانشگاه تهران](#) دانش آموزان توانستند، پس از به پایان رساندن [دوره دبیرستان](#)، در رشته‌های ادبیات و فلسفه و علوم تربیتی، پزشکی، حقوق، علوم طبیعی و ریاضی، علوم معقول و منقول و مهندسی به تحصیل بپردازند بعدها [دانشگاه تهران](#) گسترش یافت و دارای [دانشکده‌ها](#) و رشته‌های درسی دیگری شد.<sup>۱۷</sup>

آموزش و پرورش در ایران بیشتر متمایل به روش پیازه می‌باشد ولی در عمل شیوه‌هایی که پیازه بر آن تأکید کرده‌است عملی نمی‌شود. آموزش در ایران بیشتر معلم-محتوا محور بوده و کودک در جریان یادگیری بیشتر نقش انبار کننده دارد در سالهای اخیر وزارت آموزش و پرورش ایران در پی این بوده‌است که تغییراتی اساسی در شیوه آموزش کودکان به وجود آورد ولی این تغییرات بیشتر جنبه کمی داشته و کمتر به کیفیت آموزش توجه شده‌است. همچنین [دانشگاه فرهنگیان](#) وظیفه تأمین، تربیت و بهسازی معلمان و نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش را در ایران بر عهده دارد.

## آموزش و پرورش تطبیقی

آموزش و پرورش تطبیقی را می‌توان عبارت از یک نظام تحقیقی دانست که ما را به منظور دستیابی به شناخت جدید در زمینه تئوریک و عملی از طریق مقایسه دو یا چند سیستم تربیتی در کشورها و مناطق گوناگون ویا ادوار تاریخی متفاوت یاری می‌دهد. ۰۲ تطبیق می‌تواند بین امور آموزشی در داخل یک نظام ویا نسبت به آموزش و پرورش دیگر ممالک آن هم در سطح وسیع تری صورت گیرد نکته مهم این است که مقایسه یک امر حساس و ظریفی است برای بهره‌مندی هر چه بهتر از علم مقایسه در آموزش و پرورش ضرورت دارد تا به مسئله فرهنگ، ملتها، قومیتها، ادیان و مذاهب، شرایط اجتماعی هر کشور جایگاه آن در جامعه جهانی و شرایط جغرافیایی توجه ویژه‌ای داشت به دیگر سخن اگر حرکتی در امر آموزش و پرورش در یک کشور مفید و مؤثر واقع شود نمی‌توان تصور کرد که این اقدام عیناً در کشور دیگر نیز سودمند باشد چه بسا ممکن است نتیجه معکوس هم بدهد. کارشناسان امور تطبیقی نیز بر این اعتقاد اصرار می‌ورزند که نتایج مثبت ویا منفی از کارکرد آموزش و پرورش در یک کشور، هرگز با نتایجی که در کشور دیگر گرفته شده، یکسان نیست، نتیجه آنکه، در امور تطبیقی بایستی از تقلید کورکورانه صرف و بعضاً ساختگی اجتناب ورزید و در مقابل، به گزینش منطقی و عاقلانه از نظام آموزش و پرورش سایر ملل دست یازید.

## اهداف پژوهش‌های تطبیقی در حوزه آموزش و پرورش

۱ (کشف حقایق و مسایل تربیتی کشور خویش | طریق تحلیل و شناخت مسائل نظام‌های آموزشی سایر کشورها  
۲) ارزشیابی مبتنی بر واقعیت‌نگری (۳) برنامه‌ریزی (۴) گفتمان فرهنگی بر اساس صلح، دوستی و تفاهم و مدارا در  
بین ملت‌ها (۵) شناسایی پیشرفت‌ها و نوآوری‌ها در حوزه آموزش و پرورش دیگر کشورها (۶) آگاهی از مسائل  
آموزش و پرورش در دنیا برای دسترسی به آموزش و پرورش تطبیقی تمامی کشورهای دنیا به وبسایت  
www.tmpy.ir مراجعه کنید.<sup>۱۷</sup>

## اثرات سیاسی

رهبران سیاسی تأثیر زیادی بر سیستم‌های آموزشی گذاشته‌اند. به طور مثال در **شوروی** نظام آموزشی تحت  
نظارت شدید حزب کمونیست شوروی قرار گرفت. پس از به قدرت رسیدن **جوزف استالین** او تأکید ویژه‌ای بر آموزش  
علوم، **ریاضیات** و ایدئولوژی **کمونیست** داشت همزمان مراکز علمی شوروی تعداد زیادی از شهروندان دیگر کشورها  
را جذب مراکز آموزشی خود کردند. این نظام آموزشی پس از فروپاشی شوروی اصلاح شد و اختیارات دولت‌های  
محلی در این امر افزایش پیدا کرد.<sup>۱۹</sup>  
در نظام آموزشی **ایالات متحده آمریکا** در اوایل قرن بیستم تبعیض نژادی علیه افراد سیاهپوست وجود داشت که  
دولت آمریکا با تصویب قوانینی سعی بر حذف آنها کرد همچنین قوانین برای دادن امتیازات بیشتر از سفیدپوستان به  
سیاهپوستان موسوم به تبعیض مثبت، تصویب شد.<sup>۱۱۰</sup>